بالاخره ایران اعتراض کرد

پس از این‌که رسانه‌ها درباره تهیه پرونده جهانی خوشنویسی توسط ترکیه نوشتند و مسؤولان تکذیبش کردند، حالا متولیان میراث به وجود آن پی برده و اعتراض رسمی خود را اعلام کردند. معاون میراث فرهنگی گفت: برای سال ۲۰۲۰ پرونده‌ای با عنوان خوشنویسی از سوی ترکیه مطرح نبود، ترکیه پرونده‌ای را با عنوان خوشنویسی اسلامی برای سال ۲۰۲۱ به یونسکو ارائه داده که این امر مورد اعتراض ایران قرار گرفته است. / مهر

«زندگی‌نگاری» منتشر شد

کتاب «زندگی‌نگاری» نوشته جمعی از نویسندگان با تدوین علی مرادعناصری منتشر شد. این کتاب حاصل کارگاه مجازی «نوشتن در دوران کرونا» و شامل جستارهای فارسی مرتبط با زندگی با ویروس کروناست که با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات در ۲۵۱ صفحه توسط انتشارات کتاب برادر منتشر شده است. فاطمه نعمتی، حسین ملکیان، مریم عبداللهی، ندا زنگینه، نسرین مهریزیان، محدثه عزلتی‌مقدم، حامد نکته‌سنج و عرفان حاجی‌پروانه هشت نویسنده این کتاب هستند. / ایسنا

ماجرای سرکوفت

صدور مجوز کارگردانی برای محمدامین کریم‌پور سروصدای زیادی به پا کرد

علی رستگار

سینما

«واقعا دوست‌داشتنی بامحبت امیدوارم یك روز با هم کار کنیم» این شرح پست اینستاگرامی محمدامین کریم‌پور در پنجشنبه ۱۶ فروردین سال ۹۷ است. این تعریف را از چه کسی می‌کند؟ از رضا عطارانِ کلاه‌به‌سر که تقریبا صمیمی لم‌داده روی صندلی و کریم‌پورِ کلاه‌به‌سر هم با تلفن همراهش انگار دارد با او عکس سلفی می‌گیرد. حالا آن امیدواری دو سال پیش در آستانه تحقق قرار دارد و هیچ بعید نیست روزی کریم‌پور و عطاران را در یك فیلم کنار هم ببینیم. می‌گویید نه؟ شدنی نیست؟ این گمانه‌زنی و پیش‌بینی را به دور از ساحت سینما می‌دانید؟ یعنی می‌خواهید بگویید استعداد کریم‌پور در رقصیدن (ببخشید حرکات موزون) و قردادن از جواد عزتی کمتر است که در آن سکانس فیلم هزارپا پابه‌پای عطاران می‌لرزید و می‌لرزاند؟ من که فکر نمی‌کنم. کریم‌پور در همین کلیپ‌های متعددش در اینستاگرام ثابت‌کرده که دست‌کم چنین صحنه‌هایی را به‌درستی از آب و گل درمی‌آورد، حالا چه به‌عنوان بازیگر و چه به‌عنوان کارگردان که به‌تازگی پروانه ساخت گرفت و احتمالا در آینده‌ای نزدیك هم پشت و جلوی دوربین کارگردانی سینما قرار می‌گیرد. آیا با ورود یك اینفلوئنسر یا چهره و به اصطلاح عامیانه شاخ اینستاگرامی، کلاهی به سر سینمای ایران رفته که از لحظه انتشار خبر، برخی زبان به انتقادات تند و تیز گشوده‌اند و در رثای حرمت سینما سینه چاك کرده اند یا نه، این ماجرا ابعاد و زاویه‌های دیگری هم دارد و می‌توان طور دیگری هم به آن نگاه کرد. برویم ببینیم چه خبر است.

قصه از کجا شروع شد؟

ابتدا خبری در فضای مجازی و رسانه‌های سینمایی (و بخش‌های سینمایی رسانه‌ها) منتشر شد که شورای صدور پروانه ساخت در جلسه اخیر با هشت فیلمنامه، چهار مجوز کارگردانی اول و یك مجوز تهیه‌کنندگی موافقت کرد. در این میان برای خیلی‌ها سوابق هیچ‌کدام دیگر از کارگردان‌اولی‌ها همچون یوسف حاتمی‌کیا (پسر ابراهیم حاتمی‌کیا)، مجید مافی و امین قوامی مهم و جذاب نبود و فقط روی اسم محمدامین کریم‌پور زوم کردند.

خلاصه و چکیده انتقادات چه بود؟ این‌که چرا یك شاخ اینستاگرامی باید کارگردان سینما شود؟ با چه مجوزی و بنا به چه تحصیلات و سوابقی؟ درواقع منتقدان و مخالفان شاخ‌بودن کریم‌پور در اینستاگرام را متر و معیاری برای ابتذال و سطحی‌بودنش درنظرگرفتند و می‌گیرند و او را شایسته ورود به سینما و کارگردانی نمی‌دانند.

حالا برویم ببینیم مجوز کارگردانی محمدامین کریم‌پور را چه نهاد و چه کسانی صادر کردند؟

پروانه روی شانه!

سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی در جواب انتقادات به صدور مجوز کارگردانی برای کریم‌پور عنوان کرد اطلاعی نداشته که او چه کسی است و به‌تازگی متوجه شده که او در اینستاگرام است. طباطبایی‌نژاد به فارس گفت: ما اصولا به این مسائل کاری نداریم. ایشان کارشناسی ارشد سینما دارد. چهار نمونه فیلم کوتاه به شورا ارائه داده که هفت نفر از اعضای شورا به آن رای مثبت دادند.

بهمن حبشی، مدیرکل نظارت برتولید فیلم و عضو شورای پروانه ساخت هم در گفت و گو با صبح سینما گفت: چون به کریم‌پور می‌گویند شاخ اینستاگرام، دلیل ممنوع الکاری اش نمی‌شود. در جلسه‌ای که فردی مثل آقای جیرانی هم حضور داشت، صلاحیت ایشان (کریم پور) کاملا بررسی شد.

خب، این آب پاکی قانونی که بر دست مخالفان و منتقدان ریخته‌شد، ظاهرا اقناع کننده نیست که انتقادات کماکان ادامه دارد. البته در میان مخالفت‌ها و حتی دستمایه قراردادن این سوژه برای شوخی‌هایی همچون «باید منتظر کارگردانی دیگر شاخ‌ها و پلنگ‌های اینستاگرامی هم باشیم»، برخی چهره‌ها نیز به دفاع از محمدامین کریم پور پرداختند، همچون هادی حجازی فر که با انتشار مطلبی در اینستاگرام نوشت: «... بس کنیم. ضعیف‌کشی مرام ترسوهاست...» محمدحسین مهدویان هم این نوشته حجازی‌فر را استوری کرد.

حسین سلیمانی، بازیگر سینما و تلویزیون هم از دیگر چهره‌هایی بود که از کریم پور دفاع کرد.

حالا برویم ببینیم محمدامین کریم‌پور کیست و آیا واقعا سزاوار این انتقاداتی که به او می‌شود، هست یا نه؟

ورود یک جایزه بگیر

راستش این نمونه کارهایی که من از کریم پور در اینستاگرام دیدم، بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت. اندکی ایده بانمک و اجراهای عمدتا لوس و بی‌نمک، شاید بهترین توصیفم از این کارها باشد. هرچند شاید منصفانه ترش این باشد که بگویم پسند و سلیقه من نیستند، اما آن‌طور که از تعداد بازدیدکننده‌ها و لایک‌ها و کامنت‌ها برمی‌آید، او مخاطبان و دوستداران زیادی دارد و همین بازخوردها هم او را دچار تصوری نسبت به خودش کرده‌است. دیدن مصاحبه تصویری او پس از بازی در فیلمی ضعیف به نام سرکوفت، شاید گویای همه چیز در این زمینه باشد. او در بخشی از مصاحبه می‌گوید: «اینقدر تو این سینما جایزه می‌گیرم، یه روز میرسه که به همشون (منتقدان کارهای او) ثابت میشه کی چی بوده!» در جایی هم میان شوخی و خنده این جمله را بر زبان می‌آورد: «هنرمندا حرف مفت زیاد می‌زنن!» و در قسمت دیگری که گزارشگر از او می‌پرسد چقدر فیلم کوتاه ساخته‌ای، می‌گوید: «ده بیست تا کوتاه دارم! یه دقیقه‌ای هام (منظور ویدئوهای اینستاگرامی) رو حساب کنی بذاری رو هم خیلی میشه!» خب این با تبختر و غرور حرف زدن که البته با امیدواری و آرزوها و خوش خیالی‌هایی هم همراه است، چندان با ادبیات یک کارشناس ارشد سینما سازگار نیست یا به شکل ایده آلی نباید باشد. شاید هم دیگر باید توقعاتمان را از خروجی دانشکده‌های سینمایی پایین تر بیاوریم و چنین نمونه‌هایی را هم بپذیریم.

اما واقعا حتی همین مصاحبه و نمونه کارهای اینستاگرامی کریم‌پور و حرکات موزونش هم کمک چندانی به تحلیل و بررسی ما نکند و او به عنوان کارگردان، حرف‌هایی در سینما داشته باشد. اگر تحصیلات مرتبط دارد و به گفته مسؤولان سینمایی و به تایید جیرانی و همکاران، صلاحیتش مورد قبول واقع شده، می‌توانیم نقد و قضاوت را بگذاریم بعد از ساخت فیلم و نمایش آن. ضمن این‌که ظاهرا فیلمنامه، فضا و موضوعی جدی دارد و ربطی به این جنس کارهای کریم‌پور که دیده‌ایم، ندارد. حتی اگر همین کریم پور هم به سینما وارد شود، نباید باعث شگفتی و انتقاد ما شود، چه بسیار فیلم ضعیف و مبتذل و مبتنی بر سطحی ترین گفتارها و رفتارها که در سینمای ایران ساخته و نمایش داده نمی‌شود. دست‌کم شاخ بودن او در اینستاگرام، هنر و استعدادش را نمایان کرده و شناسانده و اگر ما جنس دیگری از سینما را دوست داریم، حق انتخاب داریم که آثار این چنینی او را در سینما هم تماشا نکنیم.

> پیشتر برخی چهره‌های پرمخاطب اینستاگرامی سر از بازیگری در سینما و تلویزیون درآورده بودند اما محمدامین کریم‌پور اولین به اصطلاح شاخ اینستاگرامی است که روی صندلی کارگردانی سینما می‌نشیند

طراحی پشت جلد یکی از چاپ‌های «اولیس» جیمز جویس در بریتانیا

را خوانده بودیم. بعدها هم دی‌ها و نیز شعرهای او توسط اینها هیچ‌یک، برسازنده آن جویس برایمان ترسیم شده ود رمان «Finnegans Wake» و ه ترجمه‌ناپذیر به نظر می‌رسید؛ یدها به انتشار ترجمه منوچهر ما او فقط بخش ۱۷ این رمان و شر کرد. از انتشار ترجمه بدیعی دمی اعلام کرد می‌خواهد رمان ابتدا که قدمی بنای ترجمه را او آغاز شد که با وجود ترجمه ه کنی؟ سوال این بود اما مگر ده بودند؟ برای ما مهم این باید وانیم؛ رمانی که در هر آنتالوژی ما به عنوان مخاطبان و فعالان آن را نخوانده بودیم. در میان بسوط بر دیگر ترجمه موجود ه ترجمه قدمی انتقاد می‌کردند ورت مصداقی مکتوب نکردند». می‌دانم هم نسخه انگلیسی رجمه را می‌پرسم حالا کدام را وید به خاطر وسواس بیشتر ت، گزینش او، و نحو و دستور و او را ترجیح می‌دهد و فارسی ا ترجیح می‌دهد. او می‌گوید: ت‌های «موقر» و «فربه» را برای و خانم پدرام‌نیا «گوشتالو» و ن انتخاب کلمه «شکوهمند» . ماهیت پیچیده اثر جویس ت که بنویسیم: «ربدوشامبر سیم ملایم صبحگاهی، پشت شده بود.» این «برپا داشته شده بود» را می‌توان به‌راحتی «تکان می‌خورد» ترجمه کرد، همچنان که در ترجمه فارسی قدمی می‌خوانیم: «پشت سرش خواب جامه زرد کمربند گشوده‌اش در نسیم ملایم صبحگاه تکان می‌خورد.» هوشیار محبوب در ادامه تاکید می‌کند: «مصداق‌های بیشتری در جلد اول هست که بخواهیم بررسی کنیم. قدمی در مقاله‌ای به طور مفصل به بسیاری از انتخاب‌های اشتباه خانم پدرام‌نیا نیز اشاره کرده. اما مسأله مهم دیگر این است که در این میان، خود جویس و شاهکارش مغفول مانده. من ترجمه قدمی را ترجیح می‌دهم، اما می‌گویم شمایی که ترجمه‌ای دیگر را بیشتر قبول دارید خب آن را بخوانید. از وقتی این دو ترجمه منتشر شده، چند مقاله درباره جویس نوشته‌ایم؟ اولیس ترجمه شده است تا جویس را از موزه ادبی‌مان بیرون بیاوریم. مساله مهم این است که این رمان سال‌ها همزمان با ولع ما برای خواندنش خاک می‌خورد و حالا بالاخره فارسی شده. در همه این سال‌ها آن‌قدر گفتیم اولیس مهم است تا به اینجا رسیدیم که اوایل دهه ۹۰ عده‌ای به غلط بگویند اصلا هم مهم نیست و در بریتانیا هم کسی اولیس نمی‌خواند و دشوارخوان است و بغرنج است و از این حرف‌ها. جویس گفته اولیس آن‌قدر پر از معما و مسائل نامکشوف است که سال‌ها زمان می‌برد کشفش کنید، اما ما هنوز دنبال حواشی هستیم. برای همین می‌گویم شاید همه حواشی پیرامون ترجمه‌ها بهانه‌ای بود برای نخواندن اولیس. گذشته از قیاس ترجمه‌ها، این خود جویس است که مغفول مانده است. آیا ما به عنوان فعالان ادبیات داستانی نمی‌خواهیم بعد از صد سال به کشف و بررسی لایه‌هایی که جویس به آنها اشاره می‌کند بپردازیم؟ مگر می‌شود چنین اتفاق مهمی بیفتد و ما هیچ واکنشی درباره متنِ ماجرا نشان ندهیم؟»

ضمایر [او]

ثبت آخرین خنیاگر مازندران در میراث فرهنگی ناملموس

محمدرضا اسحاقی به فهرست نادره‌کاران میراث فرهنگی ناملموس راه پیدا کرد

موسیقیدان و نوازنده دوتار است، او را آخرین خنیاگر موسیقی مازندران می‌دانند که یکی از آگاهان مقامات و ریز مقامات آوازی و سازی مناطق شرقی مازندران است. او همچنین آخرین خنیاگر موسیقی نواحی مازندران است.

محمدرضا اسحاقی ۷۳ساله از آن دسته آدم‌هایی است که واژه استاد برایشان کم است و از شنیدن این‌که آخرین بازمانده خنیاگری در مازندران است، حس خوبی ندارد. به همین دلیل هم تلاش می‌کند تا از طریق آموزش به نسل جوان مسیری که می‌گویند قطع‌شده را ادامه دهد. او می‌گوید: این‌که به عقیده بسیاری نقطه عطف و قوت من این است که آخرین خنیاگر مازندران هستم از این موضوع اصلا خوشحال نیستم و درحال‌حاضر سعی در انتقال معلومات خود به دیگران مخصوصا فرزندانم دارم تا بعد از من خنیاگری باقی بماند و هم‌اکنون پسرم اصغر در خنیاگری بسیار موفق و علاقه‌مند بوده و ان‌شاءا... به‌زودی او هم جزو خنیاگران انگشت‌شمار مازندران خواهد بود.

او در اولین جشنواره موسیقی فجر و جشنواره‌هایی چون جشنواره موسیقی نواحی، ذکرالذاکرین، آیینه آواز، حماسه‌ای و... شرکت داشته‌است. ساز اصلی او دوتار بوده و چامه‌های کهن مازندرانی را از مادر خویش آموخته و روی دوتار پیاده کرده‌است.

بیشتر ترانه‌هایش در مورد وقایعی است که در مازندران اتفاق افتاده، ازجمله بیماری وبا که در سال‌های دور در شرق مازندران اتفاق‌افتاده و افراد زیادی را به کام مرگ کشاند. از آثار اسحاقی می‌توان به آلبوم محلی مازندرانی آرش کمانگیر و آلبوم شبی به نغمه و نوا که در زمستان سال ۱۳۹۲ توسط شرکت فرهنگی هنری مهرآوا منتشرشده، اشاره کرد. از آخرین فعالیت‌های او می‌توان به حضور به‌عنوان نوازنده و خواننده موسیقی متن در سریال پایتخت به همراهی گروه موسیقی محلی مازندرانی «تبری» اشاره کرد. تعزیه‌خوانی، سحرخوانی و اجرای موسیقی مقامی از سوی اسحاقی همیشه اتفاقات خوبی را رقم زده‌است، ازجمله بازخوانی منظومه‌های امام‌حسین(ع) و امام‌رضا(ع) که در مستندهای ساخته‌شده درباره این خنیاگر به آن اشاره شده‌است.

حالا خبر رسیده نام اسحاقی به‌عنوان خنیاگر موسیقی نواحی در فهرست حاملان و نادره‌کاران میراث فرهنگی ناملموس ایران ثبت ملی شده‌است.

عدد سوم

درگذشت قدیمی‌ترین کاشیکار حرم رضوی

۸۶

محمدعلی الهامی‌نیا، قدیمی‌ترین استاد کاشیکاری حرم مطهر رضوی در ۸۶ سالگی درگذشت. مرحوم الهامی‌نیا کارهای ارزشمندی را با مرحوم استاد خوش‌دست در بارگاه منور امام علی بن موسی الرضا(ع) انجام داده که از آن جمله می‌توان به کاشیکاری‌های گنبد ا...وردی خان، مسجد بالاسر، دارالشکر، پیش روی مبارک و موزه قدیم اشاره کرد، همچنین در صحن‌های قدس، جمهوری اسلامی و کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی آثار ارزشمند و ماندگاری از این استاد برجسته کاشیکاری برجای مانده است. / ایسنا

عدد چهارم

تجدید چاپ رمان پرخواننده نوجوانان

۴

رمان «شکارچی کوسه کر» اثر زنده‌یاد عباس عبدی برای چهارمین بار از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنشر شد. این رمان از مجموعه «رمان نوجوان امروز» ماجرای نوجوانی را که به همراه پدر و پدربزرگ خود برای صید به دریا می‌رود، بیان می‌کند. سه رمان دیگر زنده‌یاد عباس عبدی با عنوان‌های «روز نهنگ»، «هنگام لاک‌پشت‌ها» و «شناگر» نیز از مجموعه رمان نوجوان امروز از سوی انتشارات کانون منتشر شده است. / فارس

تازه خبر

ترجمه نسخه کامل «دراکولا»

نسخه کامل رمان «دراکولا» اثر برام استوکر با ترجمه محمود گودرزی توسط نشر برج منتشر و راهی بازار نشر می‌شود. مترجم در این باره گفت: دراکولا ویژگی‌هایی دارد که باعث می‌شود بسیار امروزی‌تر از آثار هم‌عصرش به نظر برسد. چون در این قصه خطری که جهان را تهدید می‌کند، دشمنی متعارف برای بشر و انسانیت نیست، موجودی است نامیرا با قدرت‌های فرابشری، چه بسا شبیه ویروس کرونا. / مهر

در حال حاضر، جزو گران‌ترین ستارگان مشهور بالیوود به حساب می‌آیند. این در حالی است که خود عامرخان قصد دارد نقش لرد کریشنا را در این مجموعه به‌عهده بگیرد. هنوز زمانی برای شروع کار تولید ماهابرات تعیین نشده‌است، اما احتمال زیادی وجود دارد کلید فیلمبرداری مجموعه در آخرین روزهای پایانی سال جاری میلادی زده شود.

بحث تولید این درام پرخرج تاریخی در حالی تبدیل به تیتر یك رسانه‌ای در هند شده، که فیلم جدید عامرخان «لال سینگ چادها» در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این کمدی درام تاریخی قرار بود برای نمایش عمومی در هفته پایانی سال جاری میلادی آماده شود، اما شیوع بیماری کرونا تولید آن را هم مثل دیگر پروژه‌های سینمایی متوقف کرد. هنوز حدود ۳۰ درصد از صحنه‌های فیلم باید فیلمبرداری شود. اهل فن بعید می‌داند فیلم تا زودتر از سال جدید میلادی، آماده نمایش عمومی شود. لال سینگ چادها را شرکت فیلمسازی خود بازیگر با همراهی شرکت پارامونت تهیه می‌کند و نسخه دوباره‌سازی شده و هندی زبان «فورست گامپ» سال ۱۹۹۴ شرکت پارامونت است. داستان این کمدی درام پرفروش، با توجه به تاریخ ۵۰ سال اخیر کشور هند بازسازی شده است و عامرخان در آن، نقش جوانی کند ذهن به نام لال سینگ چادها را به‌عهده دارد. در نسخه انگلیسی زبان، تام هنکس این نقش را بازی کرد. / هالیوودریپورتر

تئاتر (صحنه)

مدیرکل هنرهای نمایشی خبر داد:

کمك ۳۰۰ میلیونی به تماشاخانه‌های خصوصی

مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داده که با مشکلات ایجادشده برای سالن‌های خصوصی در شهر تهران بر اثر شیوع ویروس کرونا، قرار بر این شده که از طریق وزارت کار و امور اجتماعی مبلغی به عنوان وام قرض‌الحسنه به مدیران این تماشاخانه‌ها پرداخت شود. آشنا توضیح داد: پیگیری‌هایی با همراهی خانم حیدری (معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ارشاد)، نماینده اداره‌کل هنرهای نمایشی (اتابك نادری)، خانه تئاتر و مدیر انجمن تماشاخانه‌های خصوصی ایران (شاهین چگینی) صورت‌گرفت و قرار شده دولت وام ۱۰۰میلیون تومانی با بهره کم به سالن‌ها داده شود.

به گفته این مدیرکل، اقدامات دیگری نیز برای حمایت از تئاتری‌ها در این اوضاع در دست انجام است که به نتیجه آن امیدوار هستند ولی اداره‌کل هنرهای نمایشی در زیرمجموعه معاونت هنری هنوز بودجه مصوب ندارد و امکان حمایت برایش فراهم نیست. آشنا اضافه کرده: با این حال تصمیم گرفته شد در قالب یك کمك بلاعوض از سالن‌های فعال و آسیب‌دیده در این مدت حمایت شود. براین‌اساس یك رقم ۳۰۰ میلیون تومانی را از منابع خود مصوب کردیم تا به نسبت معیارهای مختلفی همچون فعالیت، ظرفیت مخاطب و ... به‌صورت بلاعوض اختصاص دهیم. ۵۰درصد این حمایت تا یکی دو روز آینده پرداخت می‌شود و درصدد تامین منابع باقی آن نیز هستیم. درحال‌حاضر ۱۵ سالن تهران برای این حمایت درنظرگرفته‌شده‌اند و این کمك با وجود مضیقه‌ها و بدهی‌های اداره‌کل هنرهای نمایشی از سال قبل و نیز جدا از کمك دولت انجام می‌گیرد.

از زمان حضور آشنا در اداره‌کل هنرهای نمایشی حدود ۹ میلیارد تومان بدهی به هنرمندان و رویدادهایی که از گذشته باقی‌مانده‌بود پرداخت شده‌است. رقم کل بدهی‌ها نیز ۱۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان بوده‌است.